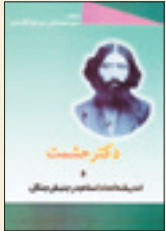


## پیش‌خواب

در آمدی بر اثر تاریخی «دکتر حشمت و اندیشه اتحاد اسلام در نهضت جنگل»

### اگر جنگلی‌ها موفق می‌شدند…

- سیدمحمد تقی میرابوالقاسمی



کتاب نکاتی از مسائل عمومی و منطقه‌ای را در بر دارد که برسی و شرح زندگی دکتر حشمت که از جمله نام‌آوران آن نهضت بوده است، با موضوع مطالعه پیرامون اندیشه اتحاد اسلام که نقش سیاسی‌اش در آن سال‌ها توان یک پیام را بالا برد، بدان علت پیوند داده شده است که اولاً که قهرمانه و تا آخرین لحظه در راه آرمان خویش ایستادگی کرد و ثانیاً در آخرین ساعات زندگی و با فرصت کوتاهی که برایش پیش آمده بود، توانست در دادگاه از موضوع اتحاد اسلام و اینکه هدفش در به راه انداختن یک نهضت چریکی در گیلان چه بود. وی به دشمن متجاوز به خاک سرزمین ما و اعضای دادگاه که متحدا در برابر او قرار گرفته بودند، گفتنی‌های لازم را گفت. هر چند گزارشی که تا این زمان به دست ما رسیده است و برای اولین بار انتشار می‌یابد، کوتاه و دارای نکات قابل بحثی است و سرانجام زندگی‌اش نقطه پایانی به عنوان اتحاد اسلام در جنبش رزمی و سیاسی نهضت جنگل می‌گذارد و آن گروه که بعد از او باقی ماندند، پس از یک تردید کوتاه در یافتند از جاذبه سیاسی اندیشه اتحاد اسلام دیگر چیزی باقی نمانده است و باید برای نجات این سرزمین راه عملی دیگری را انتخاب کرد که چنین هم شد.

۱۰ سال پیش تصمیم گرفتم یادداشت‌های پراکنده و جمع‌آوری شده این دوران را جداگانه برای چاپ آماده کنم و به مصاحبه‌ها و



دکتر حشمت به اتفاق میرزا کوچک‌خان جنگلی در راه رشت

دست‌نوشته‌های باقیمانده نظم و ترتیبی بدهم، به‌خصوصی که غم از دست دادن بازماندگان جنگل نیز را بر پیام دکان دهنده بود. اسناد و یادداشت‌ها در دسترسد حادثه‌ها در امان نبودند، آنچه سینه به سینه می‌رسید و بازگو می‌شد چگونه می‌توانست اطمینان و استواری بیان شاهدان عینی را داشته باشد و اگر در گوشه و کنار به فرزند خلفی خاطرات پدر را با هزاران دردرس حفظ کرده بودی، سر خورد می‌کردیم با هم مشکل کار قابل درک بود و راه چاره را بسته‌شده می‌پنداشتم و گاه نیز حادثه‌هایی هموار در کمین نشسته ناگهان کسائی را از ما جدا می‌ساخت که هنوز گمان آن نبود، از آن جمله یاد از مرحوم سهراب صبوری دیلمی، فرزند محمدحسن صبوری دیلمی نویسنده کتاب «نگاهی از درون به انقلاب مسلمانان جنگل» یاد کنم که تنها از راه مکاتبه با کوشش هادی آو آشنابوتم و هیچ‌گاه فرصت دیداری باقی نماند که از دست رفت.

اگر جنگلیان در ۶۶سسال قبل با آن افکار عالیه و شناخت از جامعه دچار امواج نرمی نمی‌شدند و بشرای جنگل زمان لحظه توفیقشان را فراهم می‌ساخت امروز جز این بودیم… توفیق شما را از درگاه بزرگ هادی عالم خلقت که تفکر بی نهایت را در اولاد آدم به ودیعه گذارده است، مسئلت، سفسران جنگل به دلیل خطا نبودن مطالب آن به دنبال آن از دست رفتن نواری که صحبت‌های میرزا ابراهیم کیایی روی آن ضبط شده و اعلام عدم رضایت وارث یکی از سران جنگل در استفاده از دست‌نوشته‌های باقیمانده بود و دست به دست گشتن یکی از نوشته‌ها از تکلیف به لاهیجان و از لاهیجان به رشت و از رشت به بوطپی و همچنین جزه اوراق باطله قرار دادن خاطرات یکی دیگر از افسران جنگل به دلیل خطا نبودن مطالب آن که نزدیک بود آن هم به سرنویست نوشته‌هایی دچار شود که در مقدمه کتاب نهضت جنگل و اوضاع فرهنگی، اجتماعی گیلان و قروین یاد کردم وادارم کرد که نوشته‌های پراکنده را هر چه زودتر به صورتی که ملاحظه می‌فرمایید در اختیار علاقه‌مندان قرار دهم و امیدوارم یادداشت‌های باقیمانده در فرصت‌های آینده البته اگر فرصتی بماند – برای مجموعه دیگری که آن نیز درباره تاریخ نهضت جنگل خواهد بود مورد استفاده قرار گیرد.



۱۳۵۸ قمر، دیدار محمدحسین هیکل با امام خمینی

### جستارهایی در روایت «محمد حسنین هیکل»

از روزهای اقامت امام خمینی(ره) در دهکده نوفل لوشاتو

# مردی با صدایی آرام اما حرکت‌آفرین

- نیم‌ا احمدپور



۳۶سال قبل در

چنین روزهایی، رهبر کبیر انقلاب پس از محدودیت‌های اعمال شده توسط

حزب بعث برای ایشان، نجف را ترک

و پس از پاره‌ای روزی‌ها، برای تداوم حرکت انقلابی خویش، کشور فرانسه را برگزید. امام خمینی پس از چند روز اقامت در پاریس، به دهکده نوفل لوشاتو عزیمت کرد که فضایی آرام و ظرفیتی افزون‌تر برای پذیرش مشتاقان داشت. از جمله خصوصیات این دوره از حیات سیاسی امام، آن است که دسترسی خبرنگاران به ایشان برای مصاحبه یا انعکاس دیدگاه‌ها، به سهولت انجام می‌گرفت و به همین دلیل، پیام انقلاب عالمگیر و پرطنین شد. از جمله خبرنگاران شاخصی که در این دوره موفق شد تا با امام گفت‌وشنودی پر نکته به انجام رساند، محمد حسنین هیکل روزنامه‌نگار نام آشنا بر آوازه مصری بود. هیکل بعدها پاره‌ای از خاطرات و تحلیل‌های خود از دوران اقامت امام در نوفل لوشاتو را به امام سایر گفتنی‌های خویش درباره انقلاب اسلامی، در کتابی تدوین و منتشر کرد. این کتاب که به کشورمان با نام «ایران، روایتی که ناگفته‌ماندا» نشر یافت، در جهان اسلام و عرب، واکنشی نمایان داشت و به یکی از منابع مطالعه پیرامون انقلاب اسلامی مبدل شد. در این مقال، کتاب هیکل که – البته از پاره‌ای خطایا و سهویات نیز خالی نیست – مبنای بازخوانی گوشه‌ای از خاطرات دوران حضور امام در پاریس شده است. امید آنکه مقبول افتد.

- دیدار در ۲۰ مایلی غرب پاریس

بی‌تردید محسنین هیکل، از جمله نادر روزنامه‌نگارانی است که اقبال گفت‌وشنود با بسیاری از رهبران جهان در ادوار گوناگون تاریخ معاصر را یافته است. شاید در این زمینه بتوان او را با «وریانا فالاجی» مقایسه کرد، با این حال آوازه و مکانت هیکل، در جایگاهی کن فراتر از او قرار دارد. هیکل با تمام آشنایی خویش با سران جهان و سبک زندگی ایشان، نمی‌تواند اعجاب خود را از نحوه سلوک فردی و اجتماعی امام و اطرافانش پنهان دارد. ساده‌زیستی و مناتت رهبر انقلاب در آغازین روزهای حضور هیکل، او را به روایت نکاتی سوق داده است که در بی‌ی می‌آید.

«در ۱۹۷۷ اکتبر ۱۹۷۷ آیت‌الله خمینی به فرانسه پرواز کرد و در خانه کوچکی در نوفل‌لوشاتو، ۲۰ مایلی غرب پاریس که تا زمان بازگشت نهایی‌اش به ایران به مقر فرماندهی او تبدیل شده بود، اقامت گزید. در دسامبر اولین بار با او در آنجا ملاقات کردم. در خارج از ویلایی که او زندگی می‌کرد، یک پارکینگ به چشم می‌خورد که دو چادر بزرگ در آن برپا شده بود. یکی از چادرها محل اجتماعات بود و آیت‌الله خمینی هر شب پس از نماز مغرب، در آنجا برای پیروانش سخنرانی می‌کرد و چادر دیگر محل صرف غذا برای همراهان وی به شمار می‌رفت. روزی که وارد آنجا شدیم، به مردمی بر خوردم که از همه جای جهان آمده بودند. دانشجویان سوربن، فارغ‌التحصیلان هاروارد، دانشگاه بیل، برکلی و دیگر دانشگاه‌های امریکایی و

## تاریخ

کمند وگو ۸۸۴۹۸۴۲۸

## بی‌تردید حسنین هیکل، از جمله نادر روزنامه‌نگارانی است که اقبال گفت‌وشنود با بسیاری از رهبران جهان در ادوار گوناگون تاریخ معاصر را یافته است. شاید در این زمینه بتوان او را با «وریانا فالاجی» مقایسه کرد، با این حال آوازه و مکانت هیکل، در جایگاهی پس فراتر از او قرار دارد. هیکل با تمام آشنایی خویش با سران جهان و سبک زندگی ایشان، نمی‌تواند اعجاب خود را از نحوه سلوک فردی و اجتماعی امام و اطرافانش پنهان دارد

## روایتی از دیدار با امام خمینی

روى حاضران بررسى كنم. صحنه بسیار خارق‌العاده‌ای بود. امام نشسته بود، با محاسن بلند خاکستری و عباى سیاه شیعه، چه‌راهی که به نظر می‌رسید دست به قرن هفتم هجری تعلق دارد. معیناً تمام این مردم که نماینده روشنفکران و نخبگان اجتماعی ایران به شمار می‌آمدند، در سکوت کامل به سخنان وی گوش می‌دادند و غرق در مجذوبیت به هر کلمه‌ای که از لسان او خارج می‌شد، چنگ می‌زدند.»<sup>(۱)</sup>

- ۵۰۰ مصاحبه مطبوعاتی

هیکل که سالیان دراز در عرصه مطبوعاتی فعالیت کرده و خود به یک چهره نمایین تبدیل شده است، از کثرت گفت‌وگوهای امام در سن ۷۸سالگی در نوفل لوشاتو، به اعجاب آمده و نمی‌تواند به سهولت به درک آنچه می‌بیند ناائل آید. ضمن ارائه گزارش کوتاهی از نحوه استقرار امام در پاریس و مواجهه مقامات فرانسوی با آن، پیامدهای رسانه‌ای این واقعه را تحلیل می‌کند:

«مقامات فرانسه تنها برای شش ماه به آیت‌الله خمینی اجازه اقامت دادند. هنگامی که در ماه دسامبر در پاریس بودم، بعضی از اعضای ستاد آیت‌الله خمینی مثل یزدی و اشراقی با من دربراه مشکل حل عزیمت آیت‌الله بعد از اتمام نشو و نما صحبت کردند. با یکی از دوستانم در الجزایر تماس گرفتم و او از تقاضا کردم تا آن شورای انقلاب الجزایر بخواهد به آیت‌الله خمینی پناهندگی بدهد و بدون شک اگر جریان حوادث، عدم ضرورت این کار را پیش نمی‌کرد، اور و ترتیب این کار داده می‌شد.

ورود آیت‌الله خمینی به نوفل لوشاتو یکی از نقطه عطف‌های انقلاب بود. او اکنون در معرض توجه کامل مطبوعات و رادیوهای جهان قرار گرفته بود و به تمام سخنان و اقدامات وی توجه زیادی می‌کردند. او نشان داد از منافع و امتیازاتی که از ظاهر شدنش عاید می‌شود، مطلع است و بیبانه‌ها و مصاحبه‌های خود را زمان‌بندی می‌کرد تا عنوان‌های خبری در امریکا و هر جایى را که برای نفوذ مساعد بود، به خود اختصاص دهد. در جریان سه ماه اقامت در فرانسه، آیت‌الله خمینی بین ۴۰۰ تا ۵۰۰ مصاحبه انجام داد، یعنی تقریباً هر روز سه، چهار مصاحبه! بخش بزرگی از وقتش جلوی دوربین‌های تلویزیونی صرف می‌شد. یکی دیگر از نتایج حضور آیت‌الله خمینی در پاریس این بود که سردبیران روزنامه‌های ایرانی را دچار حیرت و سرگردانی کرد. برای تهران عنوان مشکل بود بتوانند حادثه‌ای را که در همه جای جهان عنوان‌های اول خبری را به خود اختصاص دادند، اما این کار بدون آگاهی و موافقت سردبیر صورت گرفت. بعضی از چاپخانه‌ها تصویری قدیمی از آیت‌الله را به دست آوردند و به ابتکار خودشان آن را در متن خبر چاپ کردند. روز بعد سربازان به دفتر روزنامه رفتند و اعلام کردند آن حالا به بعد تمام عنوان‌های خبری باید قبل از چاپ از سانسور نظامی بگذرد. روزنامه‌نگاران و کارگران چاپخانه فردا دست به اعتصاب زدند، اما در ۱۳ اکتبر توافق شد به شرط اینکه هیچ‌گونه انتقادی از شیء یا ارتش به چاپ نرسد، سربازان از روزنامه فرستاده کنند.»<sup>(۲)</sup>

- همکلامی با رهبر روحانی

روزنامه‌نگار نامدار مسبری در کتاب خویش، مسطور زیادی را به نقولات خویش از دیدار گفت‌وگو به امام خمینی اختصاص داده است. اگر چه به نظر می‌رسد که وی در پاره‌ای مواضع، از درک مراد امام ناتوان بوده، اما به هر حال روایات او می‌تواند، شمایی از خواسته‌ها

و گفته‌های امام در دوران اقامت در نوفل لوشاتو را نمایان سازد. هیکل درباره آنچه پیش از هر چیز، در منش امام برای او جذاب بوده، می‌گوید:«وقتی فرصت به دست آمد تا تنهایی با آیت‌الله خمینی صحبت کنم، چیزی که مرا بیشتر از همه تحت تأثیر قرار داد، توانایی او برای درک ضروریات اوضاع بود. وقتی او را دیدم، می‌دانست هیچ نیروی سیاسی و هیچ فردی در ایران که قادر به رهبری باشد، وجود ندارد. بقایای احزاب سیاسی قدیمی و گروه‌های جدید مثل مجاهدین خلق و فدائیان خلق مدت‌ها در حالت محاصره ه به سر می‌بردند و قادر نبودند به‌روشنی اوضاع را درک کنند و بعضی از آنها با رژیم سازش کرده بودند. بعضی از رهبران مذهبی نیز دست به این کار زده بودند، اما آیت‌الله خمینی کاملاً مطمئن بود نیروی محرکه انقلاب مذهب است و این بدان مفهوم بود که رهبری آن به دست او قرار خواهد داشت. آیت‌الله خمینی از تأثیر بخش اعلامیه‌هایش در کشور با خبر بود. روشن بود که به آنها پاسخ داده می‌شود و او می‌توانست به بیعت مردم مطمئن باشد. مسئله این نبود که چگونه باید افکار را تحت نفوذ خود در آورد، بلکه چگونگی غلبه بر نیروهای سرکوب تحت اختیار شاه، مسئله بود. او به‌ویژه از بابت ساواک نگرانی نداشت. ممکن است تعداد آن به ۵۰ هزار مأمور برسد، اما ۵۰ هزار در مقابل ۳۵ میلیون چه کار می‌توانست بکند؟»<sup>(۳)</sup>

- ملک خالد درباره فضا چه می‌دانند؟

الگوی حکومتی امام خمینی، برای نخبگان جهان عرب و غرب، امری ناشناخته به شمار می‌رفت. درک نظریه ولایت فقیه، جز برای آنان که تاریخ صدر اسلام مبانی شیعه در امر حکومت را به دقت مطالعه کرده بودند، دشوار بود. بی‌تردید محسنین هیکل نیز در زمره نخبگانی بود که از این مبانی و چارچوب‌های آن، تصور ذهنی روشنی نداشت.

وی از گفت‌وگوی خویش در این باره با امام خمینی چنین روایت می‌کند:

«هنگامی که آیت‌الله خمینی را در پاریس دیدم، پرسیدم چگونه یک فقیه مسائل اقتصادی یا قضایی را حل می‌کند؟ پاسخ او کاملاً هوشمندانه بود:«ملک خالد درباره فضا چه می‌دانند؟ این افراد نظامی‌ها که در جهان عرب قدرت را به دست گرفتند، درباره اقتصاد چه می‌دانند؟ یک فقیه حداقل قوانین الهی را درک می‌کند، اما این افراد، از قوانین بشری یا قوانین الهی چیزی نمی‌فهمند». آیت‌الله خمینی انتقاداتی را که می‌گویند افراد مذهبی باید از سیاست دوری جویند، رد می‌کند. او می‌پرسد که آیا پیامبر اکرم(ص) از سیاست کناره گرفت؟ اگر او تنها پیام‌آور خدا می‌بود، باید قرآن کتاب خدا را به بشر تحویل دهد و سپس دنبال کارش برود، اما خداوند به او امر کرد که بچنگد

## روزنامه جوان | شماره ۴۳۷۰

هنگامی که در ذهن خود آنها را به محک داوری می‌گذار، نمی‌تواند اعجاب و تحسین خویش درباره آنها را پنهان سازد. وی داوری خویش را درباره آنچه در این حوزه، از رهبر کبیر انقلاب شنیده، اینگونه ابراز می‌درد:«از بسیاری جهات، اندیشه‌های آیت‌الله خمینی بی نهایت مترقی است. او در کتاب حکومت اسلامی خود موضوعاتی نظیر امر بایست، استثمار و نفوذ امریکا را به عبارات بسیار جدیدی بحث و کتاب را با اب معروف قرآن تحت این عنوان آغاز می‌کند:«قَالَتِ اِنَّ الْمَلِکَ اِذَا دَخَلَ قَرْهً اَفْسَدُوْهَا وَ خَلَعُوْا اَعْرَهْ اَهْلِهَا اَذَلَه». (۵) پادشاهان هنگامی که به قریه‌ای وارد می‌شوند در آن فساد عزیزان اهل آن را دلیل می‌کنند. در این کتاب مثل جاهای دیگر اهداف اصلی او یعنی دشمنی با امریکا که به نظر او دشمن عمده ایران است و نفرت از صهیونیسم و اسرائیل مورد تأکید قرار گرفته است. یکی از افزوهای او این بود که بخشی از پول سهم امام را باید به فلسطینی‌ها داد و البته این بحث باث خشنودی اعراب شد. یکی از صفات مشخصه آیت‌الله خمینی و از دلایل رشد شهرتش این بود که علایق او از محدوده مرزهای ایران فراتر می‌رفت. او هرگز محلی نبود و تلاش می‌کرد نه به عنوان یک آیت‌الله شیعه و نه تنها به عنوان یک ایرانی، بلکه به عنوان یک رهبر مسلمان با تمام مسلمانان سخن بگوید. او می‌گفت اسلام به بشر اجازه می‌دهد تا هر کاری را که می‌خواهد چه از نظر شخصی، چه در زمینه شهرت، کار، مکان زندگی و چه در خورد و خوراک به شرط اینکه مخالف با شریعت اسلامی نباشد آزادانه انجام بدهد.»<sup>(۴)</sup>

- نگرانی بازرگان و پاسخ امام

حسین هیکل در روزهای اقامت در نوفل لوشاتو، شاهد برخی دیدارهای سیاسیون با امام‌خمینی(ره) نیز بوده و البته درباره این دیدارها، از دیدار کنندگان پرسش‌هایی نیز داشته است. از جمله این دیدار کنندگان، مهندس مهدی بازرگان بود که داستان مذاکرات وی با امام، بعدها از کانال‌های گوناگون علنی شد. هیکل درباره این دیدار و نیز مطالب رد و بدل شده، نکاتی را از زبان بازرگان نقل کرده که خواندنی است:«بازرگان از شکل‌گیری حوادث و خسونت در حال افزایش و میزان وحشتناک کشته‌شدگان و مجروحان به‌شدت ابراز نگرانی می‌کرد و به همین خاطر تصمیم گرفت برای دیدن آیت‌الله خمینی به پاریس برود.

بعداً بازرگان برایم تعریف کرد می‌خواستم تمام تصویری را که از اوضاع دیده‌ بودم برای آیت‌الله خمینی تشریح کنم. احساس کردم تا اکنون موفق بوده‌ام، اما ناچارم بدانسیم تمام ارتش از زئرال‌ها گرفته تاردهای پایین علیه انقلاب بسیج شده‌اند.



امام خمینی در آغازین روزهای اقامت در نوفل لوشاتو به عزم اقامه نماز

با جنگ داخلی و قتل عام بی‌سابقه‌ای مواجه بودیم. ترسم را برای آیت‌الله خمینی شرح دادم، اما او پاسخ داد:«باید سازش کنید. هیجان به اوج خود رسیده و این بهترین ضامن پیروزی است. اگر حالا دربره قانون و نظم صحبت کنید، انقلاب همه چیز را از دست خواهد داد و اشتیاق مردم از بین خواهد رفت. آنها به خانه‌های خود بازمی‌گردند و شما پاسخ داد:«من به خدا اطمینان دارم.» او گفت:«اما می‌توانیم مردم را از طریق آمادگی برای انتخابات مجهز و بسیج نگه داریم.» آیت‌الله خمینی سرش را تکان داد، ولی چیزی نگفت. به او گفتیم:«برای روشن شدن خودم می‌خواهم سوألی از شما کنم. آیا کاملاً معتقد هستید که می‌توانید ادامه دهید؟ آیا می‌توانید موفقیت ما را در برابر ارتش، امریکایی‌ها و اروپا تضمین کنید؟» آیت‌الله خمینی پاسخ داد:«من به خدا اطمینان دارم.» او گفت:«خیلی خوب همیشه تحت رهبری شما کار کرده‌ام و به پیروی از شما ادامه خواهیم داد، اما باید سه نگرانی خودم اعتراف کنم.» آیت‌الله خمینی پاسخ داد:«می‌خواهم تقاضای از شما کنم. از شما می‌خواهم لیستی از مردانی را که انقلاب بتوانند به آنها اعتماد و بعد از پیروزی از آنها استفاده کند، تهیه کنید.» به همین دلیل با دکتر یزدی که به شور و مشورت نشستم و لیستی از افرادی را که به عنوان مشاور، وزیر، استاندار و غیره مناسب بودند تهیه کردیم. لیست اسامی در حقیقت در برگیرنده شورای انقلاب و اولین اعضای کابینه بعد از انقلاب می‌شد.»<sup>(۵)</sup>

- بی‌نوشت:

۱- ر. ک به: ایران، روایتی که ناگفته‌ماندا نوشته محمد حسنین هیکل، ترجمه حمید احمدی، نشرالهی، صص ۲۵۸ - ۲۵۷

۲- ر. ک به:همان، صص ۲۸۴ - ۲۸۳

۳- ر. ک به:همان، ص ۲۵۹

۴- ر. ک به:همان، ص ۲۵۱ - ۲۵۰

۵- قرآن کریم، سوره نمل، آیه ۳۴

۶- ر. ک به:همان، ص ۳۰۰- ۲۹۹